

در سال‌های پس از جنگ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا بر وظیفه ذاتی خود که حفظ انقلاب و دستاوردهای آن است توجه ویژه‌ای به‌مردم یاری نشان داد. این هم‌قسم شدن در پویایی و کارآمدی نظام مقدس جمهوری اسلامی و جلوگیری از تلبلیغات و هجمه‌های دشمنان باعث شد تا به خصوص نیروی زمینی سپاه توان مهندسی خود را به میدان بیاورد و جدیت دنبال کند. چراکه پیش از آن پرچم دفاع را هم با تمام قوا در جبهه‌های حق علیه باطل همین سلحشوران و حماسه‌افرینان برافراشته بودند و امروز در توجه به محرومین و رفع مشکلات و ساماندهی مهندسی، عمرانی، فرهنگی و در حرکت رو به رشد و توسعه به مسئله بهداشت و درمان توجه جدی شد. در واقع با ورود سپاه به عرصه‌های کلان سازندگی عمرانی، فرهنگی و چند سالی است بهداشتی و درمانی که بخش‌های خصوصی و دولتی کمتر می‌توانند رسیدگی نمایند باعث شده تا بار سنگین سازندگی امروز برزمین نماند. وقتی مردان سفیدپوش، تالاشگر و دلسوز پزشکی و پیراپزشکی سپاه به میدان آمدند و یک هفته بیمارستان صحرائی را ۶۰ تخت و تجهیزات یک بیمارستان شهری و پزشکان متخصص و فوق تخصص را در جایی که شاید تا به حال مردمش پزشکی عمومی هم ندیده باشند نهایت پویایی و توجه نظام را نشان می‌دهد. یا به تعبیری مردمی که در دوردست‌ها زندگی می‌کنند و برای دست‌یابی به امکانات شهری باید فرسنگ‌ها راه را بپیمایند، البته در این راستا عمده آنها صرف‌نظ می‌کنند و در تحمل دردهای سخت خود در کنار فقر و مشقت‌های دیگرشان، صبر پیشه می‌کنند. اما همین مردم وقتی این همه توجه خدمتگزاران خود در سپاه را می‌بینند که بهداشتی نیروی زمینی سپاه به صحنه می‌آید و بهترین شرایط درمانی را در دوردست‌ترین مناطق صفرمزمی می‌آورد برای آنها دعا می‌کنند، سپاهی که در کنار تأمین امنیت مناطق مرزی رویکرد مردم‌پاری و محرومیت‌زدایی را در دستور کار خود قرار داده است.

سال گذشته در هفته وحدت ۱۰ بیمارستان تخصصی فوق تخصصی سیّار را به‌طور همزمان در استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان برپا کرد و همین چند وقت پیش هم در شمال غرب (استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه) به مناسبت هفته دفاع مقدس از طریق هفت بیمارستان به مردم محروم و کمتر برخوردار خدمات تخصصی پزشکی و درمانی ارائه دادند. این بار هم پس از سه نوبت نمایش باشکوه مردم‌پاری یک بار دیگر کاروان پزشکی همزمان با هفته وحدت به استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان می‌روند و بیمارستان‌های صحرائی تخصصی و فوق تخصصی را برپا می‌کنند. از این رو به‌سرّاع متولیان این طرح و ابتکار بزرگ و قشیم و با آنها هم‌کلام شدیم؛ سردار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه و سردار مهدی اخوان

آتیچه می‌خوایند گزارشی است از دیدار با خانواده شهید مدافع حرم سید مصطفی موسوی در قالب برنامه «به تماشا می‌رسود» فوق فرهنگسرای رضوان برگزار شد. شهید سیدمصطفی موسوی، جوان‌ترین شهید مدافع حرم شناخته می‌شود که آبان ۲۱ ۱۳۹۴ و در سن ۲۰ سالگی در سوریه به شهادت رسید.

برایش آرزوی شهادت کردم

پدر شهید که از بدو تولد مصطفی آرزوی شهادت او را داشته است، می‌گوید: «وقتی مصطفی به دنیا آمد، از خدا برای او شهادت خواستم. می‌خواستم خودم را جبران کنم. خودم ضابط کن ویا برابم بنویس که من از سوریه آمدم، گوش کنم. یک طرح زیر دریایی داشتیم و من چندین بار به بنیاد تخکیان رنتم که ثبت کنم ولی مناسفانه پیگیری صورت نگرفت. گفتند «این طرح، هزینه بالایی دارد و مدت زمان زیادی می‌برد». مصطفی خودش طرح را برای کانادا فرستاد و تایید هم شد. اما مصطفی گفت من دوست دارم این طرح را به کشور خودم ارائه بدهم و از دادن طرحش صرف نظر کرد.او برای همه کارهایش برنامه‌ریزی داشت. مثلاً برای رفتن به سوریه دو نسخه رضایت نامه تنظیم کرده بود که اگر یکی را مادرش پاره کرد، یکی دیگه داشت و باشد. ولی در عین حال با پاره شدن نسخه اول خیال مادرش را هم راحت کرده باشدولی به

مهدوی معاون بهداری نیروی زمینی سپاه در مصاحبه با خبرنگار کیهان در باره این طرح بزرگ سخن گفتند.

**سپاه: یارقه امید مردم محروم**

سردار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه درباره این طرح بزرگ، گفت: این اقدامات با تنوع اقلیمی و گستردگی جغرافیایی انجام می‌شود تا به مردم این پیام را بدهد که نگاه، تفکر و حوزه دید سپاه پاسداران همواره به مردم محروم و مستضعف، معطوف است. وی افزود: این طرح بزرگ علاوه بر ایجاد امنیت پایدار، اعتمادسازی و کارآمدی نظام از همه مهم‌تر یارقه امید در دل مردم ایجاد می‌کند و موجبات پیوند مردم با نظام مقدس جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد.

فرمانده نیروی زمینی سپاه با اشاره به اینکه محرومیت‌زدایی یکی از برنامه‌های سپاه برای توسعه امنیت پایدار محسوب می‌شود، تأکید کرد: مستکبرین و وهبران گروهک‌های ضدانقلاب می‌کوشند تا با تلبلیغات سوء، در میدان محرومیت، نیروی انسانی خودشان را تأمین کنند اما سپاه پاسداران با شناخت مناسب از وضعیت اجتماعی مناطق مرزی در عرصه‌های مختلف مهندسی، عمرانی، فرهنگی، بهداشتی و درمانی، فعالیت وارد شده است. ما امروز می‌دانیم که ایجاد امنیت و رف محرومیت تنها در جاده‌سازی و نگاه عمرانی خلاصه نمی‌شود و مردم از مشکلات بهداشتی و درمانی



رنج می‌برند و چندی است توفیق خدمتگزاری در این میدان را پیدا کرده‌ایم.

وی اظهار داشت: رزمایش تخصصی و فوق تخصصی بهداری نیروی زمینی سپاه را در شرایطی اجرا می‌کنیم که دشمن برای ایجاد تفرقه میان مذاهب و اقوام، برنامه‌های متعددی پاسداران غیور همچون دوران دفاع مقدس این بار هم نقش سازندگی فرهنگی، عمرانی، بهداشتی و درمانی را با شناخت مناسب نسبت به اهداف شوم دشمنان، ایفا می‌کنند.

**ارتقاء شاخص‌های بهداشتی و درمانی در مناطق صفرمزمی**

سردار مهدی اخوان مدهوی معاون بهداری رزمی نیروی زمینی سپاه نیز با اشاره به اینکه در گذشته هدف ارتقاء قابلیت‌ها و توانمندی‌های حوزه بهداشت و درمان در ابعاد نیروی انسانی، سامانه‌های امداد و درمان سنسیار و تجهیزات پزشکی بود، در گفت و گو با خبرنگار کیهان تأکید کرد: برنامه و هدفی که از سال‌های ۹۰

**گفت و گوی کیهان با فرمانده و معاون بهداری نیروی زمینی سپاه**

# لبخندهای دیدنی...!

## هفته وحدت، سپاه با بسته‌های خدمات درمانی به مناطق محروم می‌رود

\* **مجتبی بزرگ**

در مناطق محروم و مناطق صفر مزمی با محوریت بهداری نیروی زمینی سپاه و مشارکت وزارت بهداشت و درمان تهیه و به تصویب و تأیید رسید. سردار اخوان در بخش دیگری از صحبت‌های خود به وجه تمایز ایسن رزمایش تخصصی و فوق تخصصی پزشکی در هفته وحدت، تصریح کرد: در این رزمایش وزارت بهداشت و درمان علاوه بر دانشگاه‌های علوم پزشکی شیراز، اصفهان، یزد، مشهد، کرمانشاه، سنندج، کرمان، زاهدان، تبریز، ارومیه، بیرجند، تهران و همچنین دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران و شهید بهشتی اعلام کردند که از این رزمایش پشتیبانی کنند.

یکی از اهداف این رزمایش تخصصی و فوق تخصصی محروم به ویژه استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان منتقل کنند.

**سردار پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه درباره این طرح بزرگ، گفت: خدمات بهداشتی و درمانی با تنوع اقلیمی و گستردگی جغرافیایی انجام می‌شود تا به مردم این پیام را بدهد که نگاه، تفکر و حوزه دید سپاه پاسداران همواره به مردم محروم و مستضعف، معطوف است.**



معاون بهداری نیروی زمینی سپاه با تأکید بر این نکته که باید کارهای تحقیقاتی و استانداردسازی تجهیزات پزشکی را در دستور کار قرار می‌دادیم، اظهار داشت: برای رسیدن به توسعه وانتقال تجهیزات تخصصی و فوق تخصصی به مناطق محروم باید کار مطالعاتی، تحقیقاتی و استانداردسازی تجهیزات پزشکی و ارتقاء یکت‌های تخصصی بهداشتی درمانی نیور را به سطح قابل توجهی برسانیم تا در زمینه‌های سرعت، تحرک و استقرار، نمره مطلوبی را بتوانیم کسب‌نماییم.

وی اضافه کرد: اولین گام مسا این بود که امکانات کشور را در مقوله سامانه‌های امداد و درمان سنسیار، با وضعیت بیمارستان‌های صحرائی بررسی کنیم. بدین منظور که ما باید در قدم اول گستردگی کار، نیاز مردم در مناطق کمتر برخوردار یا دور از دسترس را در رابطه با خدمات بهداشتی و درمانی متوجه می‌شدیم؛ چراکه با توجه به همین شاخص‌ها و نیازمندی‌ها در ادامه طرح جامع ارتقاء شاخص‌های بهداشتی و درمانی



انقلاب است که می‌فرایند در زمینه خدمت، تاجی که کار کرده کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، جهت را فراموش نکردن و شوق به کار که خوشبختانه در حوزه سلامت نیروی زمینی سپاه

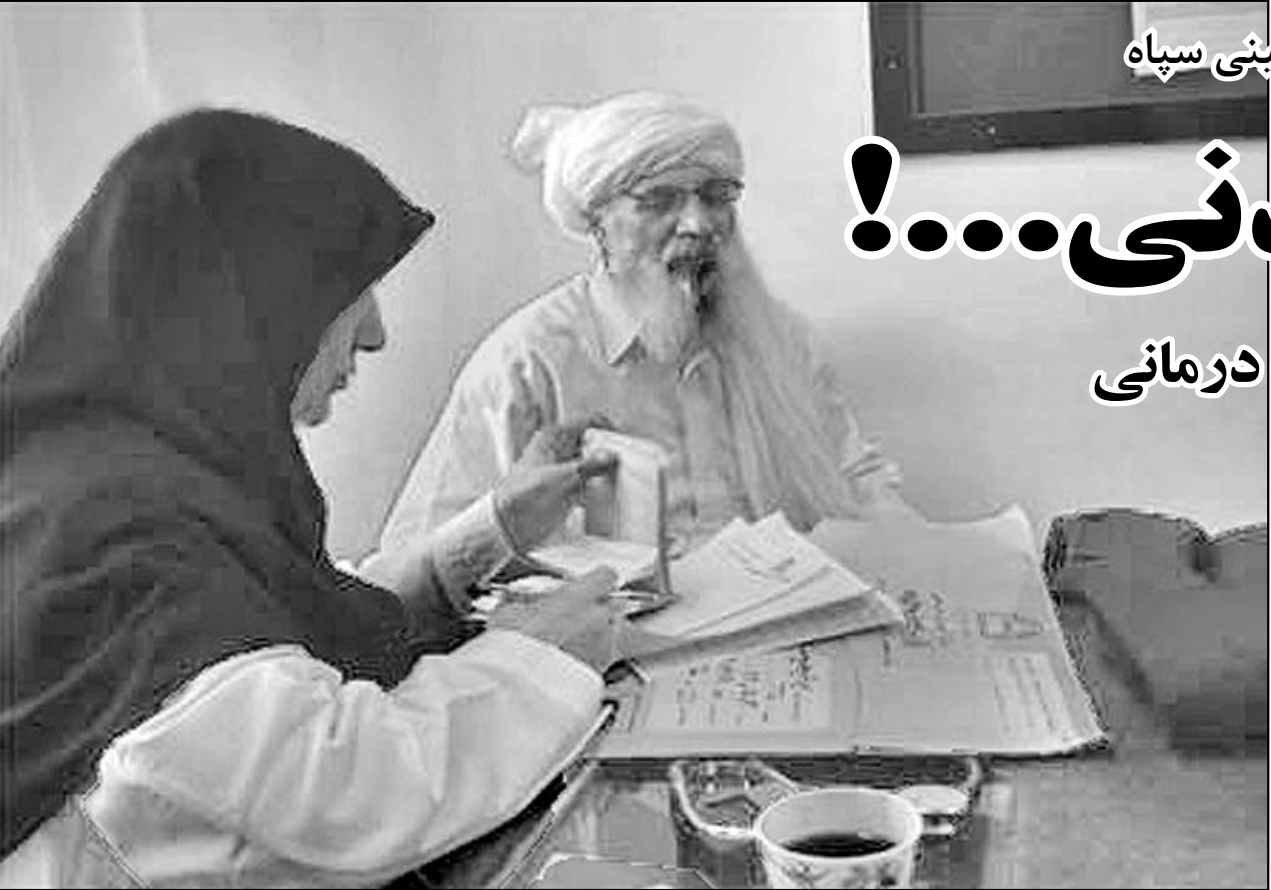
می‌کنم بروم سوریه، نمی‌شود. علت اصلی این است که شما رضایت نیتید، اگر راضی شوی خدا را هم دور انداخته بود. من برداشتم و گذاشتم در بوفه خانه. فردایش آن را برداشته بود و دور انداخته بود. به پدرش گفته بود، من آن را دور انداختم تا زمانی که رقتم سووریه وشهید شدم مادر با دیدن آن لوازم؛ غصه‌ام را نخورد... «مادر این حرف، هیچ چیزی نتوانستم بگویم و از ته قلب راضی شدم. قبل از رقتن، به من گفت: مادر جان «خیلی برابم دعا کن تا دست و دلم نلرزد و دشمن در نظرم خوار و ذلیل بیاید. «مصطفی درمورد حضرت آقا خیلی به من تأکید داشت. به من گفت وقتی من رقتم سوریه صحبت هایشان را برابم بویی. تأکید می‌کرد که اهل کوفه نباشید و نکند پشت آقا را خالی بگذارید.»

مصدر درباره روزی که مصطفی رضایت نامه سووریه را پاره کرد می‌گوید: «یک شب خیلی با خنده رفت داخل اتاق و به پدرش گفت بابا بیاکارت دارم. گفتم چه خبر است؟ رقتم از لای در دیدم پدرش بر گه‌ای را امضا کرد. خیلی ناراحت شدم دلم لرزید. به پدرش گفتم چه چیزی را امضا کردی. پدرش گفت نگران نباش؛ مصطفی برای ماموریت اطراف تهران می‌رود... مصطفی رضایت نامه را سریع ازپدرش گرفت و پیش چشمان من پاره اش کرد. وقتی که من رقتم رضایت نامه دیگری به امضای پدرش را گرفته بودم.»مادر با چشمانی اشکبار دستي به قاب عکس فرزند شهیدش می‌کشد و می‌گوید: «شب آخر که می‌خواست برود یک عکس انداخته بود. می‌گفت مامان این عکسم قشنگ است؟ مامان من عکسم مصطفی گذاشت. خیلی چیزهای قشنگی در دستم بود. تعداد زیادی کتاب خریده بود. به من گفت مادر این کتاب‌ها فرق می‌کند این‌ها را می‌گذارم بالای کمد بعد که آمدم می‌خواهم بخوانم... بعدا فهمیدم وصیت کرده است که کتاب هایش را به

مدرسه بدهیم. ما هم سه روز بعد از شهادتش تمام کتاب هایش را به مدرسه اهدا کردیم.» **حتی وقتی معراج الشهداء رفته بودیم بازهم صبور بودم ...**

مادر روزی که مصطفی برای رفتن به سوریه از او رضایت گرفت را خوب به یاد دارد و می‌گوید: «یک روز آمد کنار من نشست و گفت مامان، برای هر کسی یک روز، روز عاشورا است، یعنی روزی که آقا امام حسین(ع) ندای «هل من ناصر» را سر داد و کسانی که رفتند و با امام ماندند، «شهید» و رستگار» شدند، ولی کسانی که نرفتند چه چیزی از آن‌ها مانده است؟ تعجب کردم و گفتم: مصطفی جان مگر تو صدای «هل من ناصر» شنیدی؟ گفت: دوست داری چه چیزی از من بشنوی؟ گفت: مامان می‌خواهم یک مرده به تو بدهم، اگر از ته قلب راضی بشوی که به سووریه بروم، آن دنیا را برایت آباد می‌کنم و دنیای زیبایی برایت می‌سازم که در خواب هم نمی‌توانی ببینی». گفتم: از کجا معلوم می‌شود که من قلبا راضی نشدم؟ مصطفی گفت: «من هر کاری

صفحه ۶
یک‌شنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۵
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۲۸ - شماره ۲۱۵۸



تحرک سامانه‌ها را به نحو چشمگیری افزایش داده است. مثلاً امروز یک بیمارستان ۶۰ تخت خوابی را بهداری نیروی زمینی سپاه کمتر از یک ساعت بعد از رسیدن به مختصات محل استقراری، قابلیت ارائه خدمات بستری و جراحی را خواهد داشت؛ نیروی زمینی سپاه توانسته است از اواخر سال ۸۸ تاکنون با استقرار و بهره‌برداری از ۱۲۰ باب بیمارستان صحرائی طی ۶۷۰ روز و انجام تعداد سیزده هزار و ۷۵ مورد عمل جراحی در عرصه سلامت طبق برنامه ابلاغ شده باید تعداد ۵۰ بیمارستان صحرائی را در مناطق محروم و کمتر برخوردار و دور از دسترس در حوزه بهداشت و درمان راه‌اندازی و مستقر می‌کرد که به جهت نیاز مردم، ارتخیش و تأثیرگذاری این بیمارستان‌ها در تأمین امنیت پایدار، اعتمادسازی و پیوند مردم با نظام به ۹۳ بیمارستان افزایش پیدا کرد.

سردار اخوان گفت: برای رسیدن به اهداف

**سردار اخوان معاون بهداری رزمی نیروی زمینی سپاه: در این مدت پنج سال از همه ظرفیت‌ها استفاده و تلاش کردیم تا خدمات تخصصی و فوق تخصصی بیمارستان ثابت منطقه‌ای را به مناطق محروم به ویژه استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان منتقل کنیم.**

برنامه پنج ساله پنجم در داشتن توانمندی‌های ارائه خدمات تخصصی و فوق تخصصی به مناطق محروم هزینه‌های زیادی را از جمله مبلغ ۳۷ میلیارد تومان خدمت ارائه داده و قدرت

اسمال با دستور وزیر بهداشت و درمان این خدمات ارتقاء پیدا کرده است، ان‌شاء‌الله در سال‌های آینده با رشد و توسعه بیشتری همراه خواهد بود.

### آخرین سفارش رزمنده مجروح در بیمارستان به پرستار

و باز شده و در ناحیه گردن نیز مجروح شده است. خستگی در چشمانش موج می‌زد، همین که مرا دید به عنوان احترام سرش را پایین آورد و من هم با احترام خم شده و سلام کردم. کتی‌کاوانه پرسیدم: «فرمانید برادر، چه کاری می‌توانم برای شما انجام هم؟» تشکر کرد، یورش طلبید و گفت: «هن از کرمانشاه آمدم و داوطلب بسیجی هستم». حرفش هنوز تمام نشده بود که مشاهده کردم چند برادر دیگر تشویق می‌کنند و تک و طمن در بیمارستان صحرائی مشغول فعالیت بودم. صدای خمیازه، تکرش، شلبک و انفجار در بیمارستان رعب وحشتی عمیق ایجاد کرده بود. بیمارستان پر از مجروح بود، بعضی از آنان را به خاطر کمبود تخت بر کف زمین خوابانده بودیم. زمین خون این لاله‌ها را بر کف خود نگه داشته بود انگل می‌خواست به همه پهبانند که خوشان آینده این مهن اسلامی را خواهد ساخت. صدای تاله‌ها از هر طرف به گوش می‌رسید. یکی فریاد می‌زد دستم و دیگری می‌گفت: سرم! همه استمداً می‌طلبیدند. من هم سراسیمه جهت امدارسانی به هر سویی می‌دویدم، تاله‌ها دلم را می‌آزارد. ساعت‌ها با کمک دیگر پرسنل سراسیمه به اوضاع رسیدگی می‌کردیم؛ دیگر از فرط خستگی نا داناشتم ولی حس عجیبی به من دست می‌داد و عاشقانه به هر سو می‌دویدم. حدود ساعت هفت بعد از ظهر بود حتی آب هم نخورده بودم، کمک به آن‌ها همچون چشمه زینت زن حفظ حجاب است

من از آن روز به بعد از راه‌های مختلفی پیام آن شیر مرد را به خواهران مسلمانم می‌رساندم، ای خواهر دختر و بانوی عفیفی... که روایت مرا می‌خوانی تنها خواسته من به تو این است که همانند من این پیام را به گوش همه بانوان مسلمان برسانی، زیرا تو امید اصلی شهدا برای زنده نگه داشتن اسلام و دین حق هستی. تهیه و تنظیم: **فاطمه زورمند**



**یک شهید، یک فاطره**

## مرهم

وقتی خبر مفقودالاتر شدن حسین را برابم آوردند، خیلی ناراحت بودم. مدام گریه می‌کردم، طوری که یک ماه بیمار شدم.

نمی‌دانستم آن‌جا مسجد بود یا امام‌زاده؟

هر چه بود حضور در چنین مکانی آرامشی عجیب به من داد. به مناره بلند نگاهی انداختم و پیش رقتم ناگهان نرده‌ای آهنی سد راهم شد و دیگر نتوانستم جلوتر بروم. سید سبزه‌پوشی به طرفم آمد و گفت: «مادرا می‌خواهم مرهمی برای دردهایت بیاورم.»

که یکباره پلک گشودم!

در بستر خواب اطراف را نگاه کردم و به فکر فرو رقتم که این چه خوابی است؟ دوباره خوابم برد. این بار پسر حسین را دیدم که گفت:

«مادرا! میباید برای من ناراحت شوی و گریه کنی؛ قرار است سیدی برای شما مرهم بیاورد، پس دیگر صبور باش و گریه نکن.»

حسین این حرف را گفت و از نظرم محو شد.

بعد از آن خواب دیگر خبری از دردهایم نبود، حالم خوب شد و بنا به سفارش پسرم صبوری را پیشه کردم.

**\* خارطه‌ای از شهید حسین وحدانی**
**\* راوی: فاطمه اسلامی، مادر شهید نویسنده: مریم عرفانیان**